

دکتر شهزاد ساسان پور

استاد یار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر

Sh_sasnpour@yahoo.com

منابع تاریخ نگاری ایران در دوران تیموریان

چکیده:

یکی از مسائل بسیار مهم در هر بخش از تاریخ، منابع مختلفی است که در تاریخ نگاری هر دوره مورد استفاده قرار می گیرند و یا به نوبه خود از منابع تاریخ نگاری آن دوران محسوب می شوند. در دوران سلجوقیان حاکمیت «اندیشه ایرانی شهری» بر ذهن مورخان ایرانی، اولین تحول را در اندیشه آنان به جای گذارد. در دوران حکومت مغول-ایلخانی، مورخان به نگارش تواریخ جهانی پرداختند و دومین تحول مهم در اندیشه این قشر ایجاد گردید. پس از تشکیل حکومت تیموریان، مورخان این دوران سنت های تاریخی نگاری ایرانی را به ارث بردند، با این وجود تاریخ نگاری در این دوران با اینکه از ویژگی های خاصی نیز برخوردار بود، سه مرحله را پشت سر گذاشت: دوران تیمور، شاه رخ و سلطان حسین بایقرا.

در مقاله حاضر با توجه به این مراحل سه گانه صرفاً «منابع تاریخ نگاری ایران در دوران تیموریان» مورد بررسی قرار گرفته است و محور کلیدی آن بررسی اجمالی منابع مختلف تاریخ نگاری در دوران مورد نظر و نیز دریافت گرایش های متفاوت نویسندگان و مورخان این دوران در نگارش مطالب است. بدین منظور تلاش گردیده تا با استفاده از منابع تاریخی و مطالعات نوین مربوط به این دوره و با توجه به روش تحلیلی-تاریخی به گردآوری و تدوین مطالب پرداخته شود.

واژگان کلیدی: دوران تیموریان، تاریخ نگاری، منابع تاریخی، منابع ادبی، منابع

جغرافیایی، سفرنامه ها.

مقدمه

نگارش کتب بخصوص تواریخ در دوران تیموریان (۷۷۱-۹۱۳هـ.ق/۱۳۶۸-۱۵۰۷م) در واقع هم زمان با فتوحات تیمور گورکانی آغاز شد، از یک سوی علاقمندی او به علمی از قبیل انساب، تاریخ و جغرافیا و از سوی دیگر تمایل وی برای ثبت حوادث دوران زندگی و بخصوص فتوحاتش موجب گردید تا همواره عده‌ای از نویسندگان و دبیران ایرانی و ایغوری در دربار و حتی اردوی او حضور داشته باشند.

پس از انتخاب سمرقند به پایتختی در دوران فرمانروائی تیمور (۷۷۱-۸۰۷هـ.ق)، این منطقه نه تنها به بزرگترین مرکز سیاسی، بلکه به مهمترین کانون فرهنگی و تاریخنگاری ایران تبدیل شد. در دوران جانشینان تیمور بخصوص در دوران سلطنت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰هـ.ق) هرات به پایتختی انتخاب شد و مرکزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت تیموریان تا اضمحلال آن به این شهر منتقل شد. نگارش کتب مختلف از جمله تواریخ دردوران تیموریان طی سه مرحله به انجام رسید. در اولین مرحله نویسندگان کتب متأثر از سنت نگارشی مورخان دوران ایلخانی بودند که اغلب در نواحی غربی و مرکزی ایران قرارداداشتند، به عبارتی در اولین مرحله، نویسندگان عصر تیموری در تداوم سنت نگارش دوران ایلخانی که بر پایه سنت‌های مغولی قرارداداشت به نوشتن کتب پرداختند که از آن جمله می‌توان به «روزنامه غزوات هندوستان» نوشته غیاث‌الدین علی یزدی اشاره نمود که محور اصلی مباحث این کتاب شرح زندگی و فتوحات تیمور گورکانی بود.

دومین مرحله نگارش کتب دردوران تیموریان از دوران حکومت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰هـ.ق) آغاز شد. با انتقال پایتخت به هرات، کانون نگارش بخصوص تواریخ به نواحی شرقی ایران منتقل گردید. در این عصر عواملی از جمله رفاه مادی و اقتصادی و خزانه انبوه ناشی از فتوحات تیمورگورکانی، ظهور و گسترش مکتب فرهنگی- هنری هرات، رقابت

سیاسی و فرهنگی میان امیرزادگان تیموری مانند بایسنغر میرزا، اسکندر (فرزند عمر شیخ)، سلطان ابراهیم و... در حمایت از دانشمندان، هنرمندان و مورخان، اوضاع فرهنگی مساعد و... به گسترش نگارش کتب مدد رسانید. مورخان دربار شاهرخ و بایسنغر در هرات پس از صدور فرمان شاهرخ مبنی بر رعایت قوانین شرع اسلام در جامعه، تحت تأثیر سنت تاریخنگاری اسلامی- ایرانی قرار گرفتند، با این حال در نواحی دورتر از پایتخت مانند دربار ابراهیم سلطان (فرزند شاهرخ) در شیراز سنت‌های مغولی بر ذهن اکثریت نویسندگان حاکم بودند.

در فاصله مرگ شاهرخ تا روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۴-۹۱۱ هـ.ق) روند نگارش کتب موقتاً دچار وقفه شد. بزودی و در نتیجه حمایت سلطان حسین میرزا بایقرا و نیز تلاشهای وزیرش امیر علیشیر نوائی، سومین مرحله تاریخ نگاری در این دوران شکل گرفت. بار دیگر نویسندگان این دوران تحت تاثیر سنت‌های مغولی قرار گرفتند و در کنار سایر هنرمندان از حمایت دربار برخوردار شدند و سرانجام کتب فراوانی در زمینه‌های ادبی و تاریخی از جمله تاریخ‌های عمومی، دودمانی، محلی، منشآت و... به نگارش درآمد. با ذکر این مقدمه، هدف اصلی از تدوین مقاله حاضر ارائه دسته‌بندی جامع‌تری از منابع تاریخ‌نگاری دوران تیموریان با توجه به مراحل سه گانه ذکر شده در بالا است. در این راستا تلاش بر آن بوده تا به سوالات زیر پاسخ داده شود.

۱- آیا منابع تاریخ‌نگاری در دوران تیموریان تنها به تواریخ عمومی، دودمانی و محلی

محدود می‌شوند؟

۲- آیا نویسندگان این دوران در نگارش کتب خود نوآوری داشته‌اند و یا تنها به تکرار

مطالب نویسندگان پیش از خود پرداخته‌اند؟

۳- نویسندگان و تاریخ‌نگاران دوران تیموریان چه نوع رویکردهایی را در نگارش

مطالب مورد توجه قرار داده‌اند؟

برای تهیه این مقاله روش تحلیلی- تاریخی به کار برده شده است که ضمن استفاده از منابع اصلی و مطالعات مربوط به منابع تاریخ‌نگاری دوران تیموریان، تلاش گردیده تا به صورت تحلیلی، منابع مورد نظر ارزیابی شوند. برای انجام این مقاله منابع تاریخ‌نگاری دوران تیموریان در چهار بخش شامل: منابع تاریخی، منابع ادبی، منابع جغرافیایی و سفرنامه‌ها بررسی شده‌اند، که در مباحث بعدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- منابع تاریخی:

منابع تاریخی دوران حکومت تیموریان در سه بخش مجزا از یکدیگر در غالب تواریخ عمومی، تواریخ دودمانی- تک‌نگاری‌ها و تواریخ محلی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

الف) تواریخ عمومی:

اولین و مهمترین منابع تاریخی دوران تیموریان تواریخ عمومی هستند که وقایع عالم از آفرینش تا دوران مورخ در آن ذکر می‌گردید. سنت تاریخ‌نگاری ایرانی بر پایه رویکرد کلامی- دینی که با نگارش تاریخ عمومی طبری آغاز شد در دوران تیموریان نیز برقرار بود و تا نگارش ناسخ التواریخ سپهر در دوره قاجار ادامه یافت. این رویکرد در قالب یک دسته تواریخ عمومی که از الگوی واحدی پیروی می‌کردند بروز نمود. بدین ترتیب که ابتدا مورخ براساس «تئوری مشیت الهی» وقایع جهان را از آفرینش عالم بر پایه قصص و اساطیر و روایات قرآنی می‌نوشت و بعد از آن تاریخ اسطوره‌ای و ایران باستان تا عهد ساسانی و سپس وقایع ظهور اسلام تا دوران خود را به رشته تحریر در می‌آورد. این تفکر در ثبت احادیث، اخبار، افسانه‌ها، داستان‌ها، تذکره‌ها حتی وقایع‌نگاری نیز خود را نشان داد. مورخان در بخش حوادث تاریخی از کتب پیشین اقتباس و یا رونویسی نموده و تنها

وقایع دوران خود را به صورت وقایع نگاری ثبت می‌کردند، اما از آن جایی که این بخش بر پایه مسموعات و تجارب نویسنده قرار داشت از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطلوبترین نوع تاریخ‌نگاری، «تاریخ جهانی» بود که از دوران مغول آغاز گردید. این سنت در دوران تیموریان به صورت جزئی از سوی مورخانمانند نظام‌الدین شامی، شرف‌الدین علی یزدی، میرزا حیدر دوغلات، سید علی‌اکبر ختایی، خواجه غیاث‌الدین نقاش و عبدالرزاق سمرقندی تداوم یافت، اما در عوض مورخان دوران تیموری اغلب به نگارش تواریخ عمومی پرداختند که پاره‌ای از آنها مانند کتاب «مجمل التواریخ» نوشته فصیحی خوافی بصورت سالنگاری نوشته شدند.

مهمترین مورخ این دوران که شاید بتوان آن را از لحاظ گستردگی دانش و علائق با «خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی» مقایسه نمود «حافظ ابرو» ست. وی کتاب «مجمع التواریخ السلطانیه» را در چهار ربع (مجلد) پیرامون وقایع تاریخ اسلام و ایران به رشته تحریر درآورد که بخشی از ربع چهارم آن که به وقایع سالهای مرگ تیمور و دوران حکومت شاهرخ تا سال ۸۳۰ مربوط است تحت عنوان «زبدہ التواریخ» به چاپ رسیده است.^۱

«مولانا معین‌الدین نطنزی» که تا سال ۸۱۷ هـ.ق در دربار اسکندر بن عمر شیخ (نوه تیمور) اقامت داشت، در سال ۸۱۶ هـ.ق یک تاریخ مختصر عمومی بدون عنوان را که به «اسکندر گمنام» (آنونیم اسکندر) مشهور است برای اسکندر نوشت. هر چند پاره‌ای از پژوهشگران معتقدند که اروپاییان آن کتاب را به این نام خوانده‌اند و منظور اسکندر گمنام نیست، بلکه این اثر در واقع کتابی است که نویسنده‌ای گمنام درباره اسکندر نوشته است، اما نطنزی بعد از برکناری و سرکوبی اسکندر بوسیله شاهرخ، با شتاب در وقایع سیاسی کتاب خود تجدید نظر نمود و نسخه جدید را در سال ۸۱۷ هـ.ق تحت عنوان «منتخب التواریخ» به شاهرخ تقدیم نمود.^۲ در این تجدید نظر وی برخی از مطالب مربوط به عمر

شیخ و فرزندش را حذف کرد. در هر حال محور این کتاب مسائل مربوط به تیموریان است. او فصلی را به امرائی که در ماوراءالنهر خروج کردند و پاره‌ای از وقایع دوران تیمور اختصاص داده است. این کتاب اطلاعات منحصر بفردی را پیرامون تاریخ آسیای میانه و منطقه فارس ارائه می‌دهد. احتمالاً او از منابع مکتوب مغولی و ترکی که نام آنها را ذکر نکرده است و منابعی که در اختیار «نظام‌الدین شامی» نویسنده کتاب «ظفرنامه» بوده استفاده کرده است. توجه نطنزی به جهان‌بینی ترکی- مغولی که در تاریخ‌های اولیه دوران تیموریان دیده می‌شود نشانگر گرایش تیمور به اقتدار چنگیزی است و در نتیجه شرح فتوحات وی در آثار مورخان دوره اولیه تیموریان درج گردیده است. این گرایش حتی در برخی از کتب مورخان مرحله دوم تاریخ‌نگاری عصر تیموری مانند حافظ ابرو که به میزان قابل توجهی از کتاب نطنزی استفاده کرده نیز قابل مشاهده است. از سوی دیگر این کتاب سند فرهنگی مهمی است که رابطه پویای زندگی چادرنشینی و یکجا نشینی و به عبارتی حیات اجتماعی ایران و آسیای مرکزی در دوره میانه تاریخ اسلام را روشن کرده است.^۳

«فصیح‌الدین احمد بن محمد خوافی» یک تاریخ عمومی با سبک سنتی در یک مقدمه، دو مقاله و یک خاتمه بنام «مجمل‌التواریخ» نوشت که طی آن حوادث عالم را از آفرینش تا سال ۸۴۵ هـ.ق به رشته تحریر درآورد و آن را به شاهرخ تقدیم کرد. وی وقایع هر سال را بصورت ترتیبی و سالنگاری درج نموده است که از متوفیات، شعرا و ادبای خراسان و ماوراءالنهر نیز اطلاعات با ارزشی ارائه داده است.^۴

«خلاصه‌الاحبار فی بیان الاحوال الاخیار» که برخی آن را خلاصه‌ای از «روضه‌الصفاء» نوشته «میرخواند» می‌دانند، یک تاریخ عمومی مختصر در ده مقاله و یک خاتمه است که به درخواست «امیرعلیشیر نوائی» در سال ۹۰۴ هـ.ق توسط «خواندمیر» به رشته تحریر درآمد. «جامع‌التواریخ حسنی» نوشته «حسن بن شهاب‌الدین یزدی» که به «بایسنغرمیرزا» تقدیم

شد،^۵ و نیز «تاریخ خیرات» یا «اصح التواریخ» نوشته محمدبن فضل‌اله موسوی، کتاب «الفصول السلطانیة فی الاصول انسانیة» (در باب انساب و تاریخ) از مؤلفی گمنام که به ابراهیم سلطان تیموری اهداء شد،^۷ و نیز «تاریخ کبیر» نوشته جعفر بن محمد بن حسن جعفری مشهور به «اکمل التواریخ» و کتاب «تاریخ واسطی» که شامل وقایع آغاز خلقت تا وقایع سال ۸۱۷ تألیف جعفری^۸ است، از دیگر تواریخ عمومی این دوران می‌باشند. دو تاریخ عمومی اواخر دوران تیموری کتابهای «روضه الصفا» نوشته میرخواند و کتاب «حبیب السیر» نوشته خواندمیر می‌باشند.

میرخواند نویسنده «روضه الصفا» که برخی از پژوهشگران مانند ادوارد براون طرزانشای او را متکلف ارزیابی کرده‌اند^۹ در نقل حوادث تاریخی دقت بسیاری نموده و ضمن استفاده از منابع متعدد تاریخی به زبان فارسی و عربی مانند «تاریخ طبری» رویدادهای تاریخی را باتوجه به منابع هر دوره بررسی کرده است. میرخواند در نگارش کتاب خود با بینشی نقادانه و تحلیلی به عمق مطالب و روایات توجه کرده است. همچنین وی برخلاف بسیاری از نویسندگان این دوران به فواید دانش تاریخ و محتاج بودن پادشاهان به این علم، شروط پنج‌گانه مورخ جهت نگارش و غایت‌مندی و هدف‌مند بودن تاریخ توجه نموده است^{۱۰} که از این جهت وی در تدوین مطالب تاریخی نوآوری نموده است. «خواندمیر» دخترزاده «میرخواند» در نگارش کتاب «حبیب السیر» مطالب «روضه الصفا» را سرمشق خود قرار داد با این تفاوت که هدف وی «اجتناب از تکلفات مترسلانه و ایراد الفاظ غیرمأنوس» بود^{۱۱}.

وی که در دربارهای سلاطینی مانند سلطان حسین بایقرا؛ بدیع‌الزمان میرزا، محمدخان شیبانی ازبک، محمد زمان خان، ظهیرالدین بابر و ناصرالدین همایون گورکانی دارای مناصب دیوانی و دولتی بود با توجه به «تئوری مشیت‌اللهی و توجیه سلطنت» کتاب خود

را به رشته تحریر درآورد.

مهمترین بخش کتاب وی بخش دوم آن است که در خلال آن وقایع مربوط به ازبکان در هرات، خراسان و ماوراءالنهر که خواندمیر معاصر با آن بوده و صفویان بسیار از آن استفاده کرده‌اند نیز درج گردیده است. هر چند «خواندمیر» بیشتر در نگارش مطالب خود رویکرد سیاسی- نظامی داشته اما به چهره‌های فرهنگی از جمله شعراء توجه ویژه‌ای مبذول داشته است؛ بخصوص آن که به قول «زین‌الدین واصفی»، «خواندمیر» خود در شعر و معماگویی سررشته داشت^{۱۲}. وی در پایان هر دوره تاریخی، فصلی را به چهره‌های فرهنگی مانند وزراء، سادات، صدور، نقباء، مشایخ و علماء، فضلاء، ارباب قلم و... اختصاص داده است که در دوران صفویان سرمشق مورخانی مانند «اسکندریبیک منشی ترکمان» نویسنده کتاب «عالم آرای عباسی» شد.^{۱۳}

ذیل نویسی از شیوه‌های مرسوم‌نویسندگان تواریخ عمومی بود که در پاره‌ای از موارد متون قبلی عیناً و بدون هیچ تغییری نقل می‌شد. «خواجه تاج‌الدین سلمانی» نیز در سال ۸۱۳ هـ.ق به دستور شاهرخ ذیلی بر «ظفرنامه شامی» تحت عنوان «شمس الحسن» نوشت که در آن نسبت غلامی بسیاری از سرداران جغتائی به تصویر کشیده شده است. در سال ۸۱۵ هـ.ق حافظ ابرو به درخواست شاهرخ ادامه «ظفرنامه شامی» را نوشت که بعدها آن را در ربیع چهارم «مجمع التواریخ السلطانیه» در سال ۸۳۰ هـ.ق بازسازی نمود. «ذیل جامع التواریخ رشیدی» نوشته «حافظ ابرو» مشتمل بر دو جلد است که وقایع دوران خلفای عباسی را از تاریخ طبری و وقایع دوران مغول را از خواجه رشیدالدین فضل‌اله (جامع التواریخ) اخذ نموده، سپس وقایع دوران الجایتوی ایلخانی تا دوران شاهرخ تیموری را بدان افزوده است.^{۱۴}

ب) تواریخ دودمانی و تک نگاری‌ها:

از رایج‌ترین انواع تاریخ‌نگاری در ایران تواریخ دودمانی و تک نگاری‌ها می‌باشند. اغلب مورخان این دسته با انگیزه گرفتن پادشاه از پادشاهان و هیأت حاکمه به نگارش تاریخ چند سلسله، یک سلسله و یا یک سلطان و حاکم پرداخته‌اند. بدین دلیل که این تواریخ بیشتر از سوی سلسله‌های حکومتی و محلی ایرانی حمایت می‌شد غالباً به زبان فارسی نوشته شده‌اند. از دوان مغول تا حدی تواریخ دودمانی با تواریخ محلی آمیخته گردیدند.

در زمینه تواریخ دودمانی و سلسله‌ای در عصر تیموریان چند دسته منبع تاریخی وجود دارد. ابتدا تک نگاری‌هایی که مربوط زندگانی و فتوحات تیمورلنگ می‌باشند، مانند روزنامه غزوات هند، ظفرنامه شامی، ظفرنامه یزدی، و عجائب المقدور ابن عربشاه.

دسته دوم منابعی هستند که پیرامون تبار و خاندان تیموریان و یا دیگر سلسله‌های معاصر آنها نوشته شده‌اند، مانند «شیبانی نامه» نوشته «بنایی هروی» و «تاریخ رشیدی» نوشته «میرزا حیدر دو غلات».

دسته سوم منابعی هستند که قسمتی از تاریخ قبل از تیموریان را به تاریخ این دوره افزوده‌اند مانند: «مطلع السعدین و مجمع البحرین» نوشته «عبدالرزاق سمرقندی».

مهمترین تک‌نگاری‌های تاریخی مربوط زندگانی و فتوحات تیمور گورکانی «روزنامه غزوات هندوستان» یا «سعادتنامه» نوشته «مولانا غیاث‌الدین علی یزدی» است که در سال ۸۰۲ هـ ق به رشته تحریر درآمد. «غیاث‌الدین یزدی» ابتدا منشی دربار حکام آل مظفر در عراق عجم بود، سپس به دربار تیمور رفت و به درخواست او روزنامه دوازده ماهه «یورش هندوستان» را با نثر فارسی ساده و روان فراهم آورد. این کتاب با بهره‌گیری از منابع و وقایع سیاسی گوناگون نوشته شده و در نتیجه به ناهماهنگی درونی دچار شده است. مهم‌ترین قسمت کتاب او بخش دوم آن است که خود شاهد لشکرکشی تیمور به

عراق عجم بوده است. در این بخش او از شجاعت «شاه منصور مظفری» بوضوح سخن گفته است. او برای نگارش این کتاب از نوشته‌های منشیان درباری و علمای معاصر که نامشان را ذکر نکرده و نیز «روزنامه فتوحات هندوستان» اثر «مولانا قاضی نصیرالدین عمر» نام می‌برد. «ظفرنامه» نوشته «نظام‌الدین شامی» و «ظفرنامه» نوشته «شرف‌الدین علی یزدی» دیگر تک نگاری‌ها پیرامون شخصیت و فتوحات تیمور هستند. از روزنامه فتوحات هندوستان نصیرالدین بعدها غیاث‌الدین یزدی، نظام‌الدین شامی و شرف‌الدین علی یزدی نیز در نگارش کتب خود بهره گرفته‌اند.^{۱۵}

«عجائب المقدور فی نوائب الاخبار تیمور» در شرح احوال تیمور نوشته «شهاب‌الدین ابومحمد ابن عربشاه دمشقی» است که در سالهای ۸۴۰-۸۴۵ هـ ق به زبان عربی نوشته شد. در این کتاب اوضاع سیاسی و لشکرکشی‌های تیمور بطرز دقیقی بررسی شده‌اند. مؤلف که از دوران کودکی به اسارت تیمور درآمد، از دشمنان وی بود، لذا در کتاب خود از تیمور بسیار بدگویی کرده است. او کتاب خود را تا حدودی براساس اطلاعات تاریخ مورد استفاده بخشیان و روزنامه‌چیان... تدوین نموده است.^{۱۶}

پیرامون شجره و انساب تیموریان کتبی مانند الوس اربعه چنگیزی (تاریخ اربع الوس) احتمالاً توسط الغ بیگ نوشته شد که بعدها خلاصه آن تحت عنوان «شجره الاتراک» تدوین گردید. در این دو کتاب وقایع تاریخ مغولان تا دوران تیموریان بررسی شده است. در سال ۸۳۰ هـ ق نیز کتاب «معزالانساب» در نسب‌شناسی اعراب، یهودیان، فرانکها، چینی‌ها، مغولان و خاندان جغتائی نوشته شد.^{۱۷}

«کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی» فرزند جلال‌الدین اسحق (که در دستگاه شاهرخ تیموری در خلال سال‌های ۸۵۵-۸۷۳ هـ ق منصب قضاوت و پیش‌نمازی را برعهده داشت) از ملازمان دستگاه شاهرخ تیموری بود که مأمور سفارت به (هند) بیجانگر نیز

گردید، سپس به دربارهای عبداللطیف، (۸۵۳-۸۵۴ هـ. ق)، میرزا عبدالله، ابوالقاسم بابر، میرزا ابراهیم و ابوسعید راه یافت. وی نویسنده «مطلع السعدین و مجمع البحرین»^{۱۸} است که از تواریخ دودمانی محسوب می‌شود، زیرا وقایع مندرج در کتاب وی شامل دوران حکومت ابوسعید ایلخانی، ابوسعید تیموری و دوران سلطان حسین بایقراست. او از کتاب «زبدہ التواریخ» حافظ ابرو در مطالب قبل از بقدرت رسیدن «ابوسعید تیموری» بسیار استفاده کرده اما در وقایع دوران ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، خود شاهد رویدادهای تاریخی بوده است. مطالب وی تقریباً بدون جانبداری نوشته شده است که از این لحاظ حائز اهمیت می‌باشد. این کتاب از سبکی ساده و روان برخوردار و دارای اطلاعات بسیار نفیس تاریخی است.^{۱۹}

«بدایع و حوادث تاریخی» نام یک نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران است که نویسنده آن مجهول می‌باشد. این کتاب شامل حوادث سال اول هجری تا هجوم امیر تیمور به ایران است. نویسنده این کتاب علاوه بر آنکه مطالب مهمی دربارهٔ دوران سلطان حسین بایقرا بدست می‌دهد، از امیرعلیشیر نوائی و شاه اسماعیل صفوی نیز مطالبی ارائه نموده است.^{۲۰} به نظر می‌رسد این اثر کتاب مستقلی نیست و بخشی از یکی از تواریخ تیموری است که صفحات اولیه و آخر آن مفقود شده است.

تاریخ طوماس ارزرومی (توماس متسوب) دربارهٔ احوال و اخلاف تیمور و سلسله‌های ترکمانان به زبان ارمنی و نیز «ویرانی دمشق یا زندگانی تیمور» نوشته برتراندو (بازرگان ایتالیائی) پیرامون فتح دمشق بدست تیمور، و شرح احوال تیمور نوشته اسقف سلطانیه (ژان) به زبان فرانسه از تواریخ دودمانی و تک نگاری‌های این دوران می‌باشند.^{۲۱}

«تاریخ رشیدی» نوشته «میرزا حیدر دوغلات» از دیگر تواریخ دودمانی این دوران است که هر چند در دربار امیران «دوغلات» که تابع خانهای مغولستان بودند و حکومت نواحی

ترکستان شرقی را برعهده داشتند، نوشته شده است، اما برای درک حوادث سمرقند و بخارا در دوران جانشینان تیمور تاحکومت شاه اسماعیل صفوی قابل توجه است.^{۲۲}

ج) تواریخ محلی:

نگارش تواریخ محلی از دوران میانه در ایران رواج یافت. این دسته از تواریخ در دوران حکومت تیموریان در نواحی شمالی، جنوبی، شرقی و مرکزی ایران بخصوص در ایالات فارس، مازندران، یزد، شیراز، قم و هرات به رشته تحریر درآمدند. مورخان غالباً در تواریخ محلی به شرح حال افراد، علماء و رجال مشهور پرداخته‌اند، با این وجود در برخی از آنها شرح حال گروه‌های اجتماعی دیگر از جمله رجال درباری، وزراء، هنرمندان، عرفا و... نیز درج شده است.

از نظر نحوه نگارش در تواریخ محلی غالباً مورخان پس از حمد و ثنای خداوند از یک سو به توصیف مناطق جغرافیائی مورد نظر، بنای شهر و منطقه براساس افسانه‌ها، قصص، احادیث، آیات قرآن پرداخته و پس از ذکر نام و نحوه حکومت حکام منطقه به شرح حال رجال برجسته آن پرداخته‌اند که در برخی از آنها حکومت شاهان ایران قبل از اسلام تا دوران معاصر نیز شرح داده است.

از سوی دیگر نویسندگان تواریخ محلی علاوه بر آشنائی با منطقه مورد نظرشان، به شرح جزئیات دقیق زندگی رجال برجسته، تشکیلات اداری، اوضاع اقتصادی، اوضاع اجتماعی، زندگی توده مردم و... پرداخته‌اند و در نتیجه حس نزدیکی با منطقه و محیط جغرافیائی مورد نظر داشته و رویکرد آنان نسبت به اوضاع اجتماعی با نگرش دستگاه حاکم تفاوت دارد. شاید بتوان این تواریخ را نوعی جهت‌گیری خاص از سوی مورخان در مقابل حکومت مرکزی محسوب نمود.

در دوران تیموریان درباره نواحی شمالی ایران «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران»

نوشته ظهیرالدین مرعشی قدیمی‌ترین تاریخ محلی دربارهٔ دوران حکومت آل‌کیا در گیلان و دیلمستان است، ظهیرالدین مرعشی از سوی سلطان محمد دوم کیانی در سرکوبی عشایر حوالی اردبیل و فتح حکومت سیاکله رود و قزوین مأموریت یافت و سپس سپهسالار ولایت گرجستان و... شد. سلطان محمد عده‌ای را مأمور گردآوری رویدادهای حکام گیل و دیلم قبل از کیانیان نمود و ظهیرالدین مرعشی مأمور مرتب کردن آنها گردید. مؤلف در این کتاب که شامل یک دیباچه و یک مقدمه و چندین فصل است از کتب محلی پیشین مانند «تاریخ رویان» نوشته اولیاءالله آملی و «تاریخ طبرستان» علی بن جمال‌الدین رویانی استفاده نموده است. کتاب ظهیرالدین مرعشی شامل جغرافیای تاریخی رویان، آمل، رستمدرار، ساری، گرگان و وقایع تاریخی آن شامل حوادث دوران کیومرث رستمدراری تا سلطان محمد دوم کارکیاست. مهمترین قسمت کتاب که براساس تجربیات مرعشی نگاشته شده است، حکمرانی کیومرث رستمدراری و فرزندانش و خروج و استیلای سید قوام‌الدین مرعشی در آن دیار است.^{۳۳} توجه و درج مطالب منحصر بفرد راجع به سربداران و داشتن رنگ و بوی شیعی از ویژگی‌های این کتاب است. ظهیرالدین مرعشی کتاب دیگری درباره «تاریخ گیلان» نیز نگاشته است.

«تاریخ قم» نوشتهٔ «حسن بن محمد بن حسن قمی» در سال ۳۷۸ هـ ق و به تشویق «صاحب بن عباد» (وزیر مشهور بویه‌یان) در دوران آل‌بویه به زبان عربی به رشته تحریر درآمد. در دوران تیموریان این کتاب توسط «حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی» در سال ۸۰۵ یا ۸۲۵ هـ ق به زبان فارسی ترجمه شد. محور اصلی کتاب مذکور پیرامون اوضاع مالی و اقتصادی قم، اعراب ساکن در قم و کیفیت مهاجرت آنها به این شهر بوده که با استفاده از مدارک و اسناد محلی قدیمی نگارش یافته است.^{۳۴}

پیرامون شهر یزد نیز در این دوران دو کتاب تاریخی نوشته شده است. «تاریخ یزد»

نوشته جعفر بن محمد جعفری و دیگری «تاریخ جدید یزد» تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب که در سال ۸۶۲ هـ.ق به رشته تحریر درآمد و شامل دوازده مقاله از ابتدای بنای شهر یزد، تا دوران شاهرخ تیموری و جهان‌شاه قراقوینلوسست که غالباً از مطالب «تاریخ یزد» نوشته جعفری اقتباس شده است، اما با این وجود اطلاعات ارزشمندی پیرامون ابنیه، عمارات، انواع مالیاتها، نحوه پرداخت مواجب^{۲۵}، شیوه آبیاری و تقسیم‌بندی آب و قناتهای شهر یزد در آن ارائه شده است. پیرامون هرات نیز دو تاریخ محلی در این عصر نگارش یافت. ابتدا «تاریخنامه هرات» نگارش سیف بن محمد بن یعقوب هروی (سیفی هروی) که در دربار فخرالدین کرت جای داشت و از جانب پسر وی غیاث‌الدین (۷۰۶-۷۲۵ هـ.ق) مأمور شد تاریخ هرات را از زمان چنگیز تا عصر او تدوین نماید. این کتاب شامل چهارصد فصل پیرامون شرح احوال حکام، امراء و برجستگان هرات تا دوران نویسنده است. اکنون از این کتاب تنها ۱۳۸ فصل شامل بنای شهر هرات تا حملات چنگیز و دوران حکومت آل‌کرت به جای مانده است. مورخانی مانند حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی، زمچی اسفزاری و خواندمیر، از این کتاب پیرامون اوضاع هرات و سلسله آل کرت استفاده بسیار کرده‌اند.^{۲۶}

دومین تاریخ محلی درباره هرات در دوران مورد نظر کتاب «روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات» نوشته زمچی اسفزاری است^{۲۷}. همچنین پیرامون ایالت فارس و شهر شیراز، کتاب «شیرازنامه» نوشته «ابن زرکوب» که در آن به ذکر قشرهای گوناگون اجتماعی پرداخته شده نگارش یافته است.^{۲۸}

۲- منابع ادبی:

در این بخش به اصلی‌ترین منابع ادبی دوران تیموریان از جمله تراجم و شرح حال‌ها، تذکره‌ها، منشآت و مکاتیب، کتب اخلاقی، تاریخ نگاری منظوم، کتب مزارات که از مهمترین

منابع تاریخ نگاری این دوران نیز محسوب می‌شوند به صورت مجمل پرداخته می‌شود.

الف) تراجم و شرح حالها:

تراجم و شرح احوال، تذکره‌ها، زندگینامه‌ها، منشآت و مکاتیب، متون ادبی - اخلاقی، کتب مزارات، کتب جغرافیایی، خاطرات، سفرنامه‌ها و تاریخ نگاری‌های منظوم از منابع ادبی هستند که از خلال آنها بسیاری از حوادث تاریخی مستفاد می‌شود.

از خلال تراجم و شرح احوال‌های دوره تیموریان که اغلب در آنها احوال چهره‌های مذهبی به تصویر کشیده شده است، وزراء، شعراء رجال مشهور و صوفیان و... نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این دوران شرح احوال به دو صورت یکی زندگینامه‌های خصوصی رجال فرهنگی - سیاسی، دوم زندگینامه‌های عمومی که خود به دو نوع تذکره - های ادبی و تذکره‌های صوفیانه تقسیم می‌شود نگارش یافته‌اند.

«مکارم الاخلاق» نوشته «خواندمیر» پیرامون شرح احوال، ویژگی‌های اخلاقی و علمی «امیر علشیر نوائی» و کتاب‌های «تکمله نفحات الانس» نوشته عبدالغفور لاری و «خمسه المتحرین» نوشته امیرعلشیر نوائی پیرامون شرح حال «عبدالرحمان جامی» نیز در این دوران نگارش یافته‌اند.^{۲۹}

تزوکات تیمور یا «واقعات تیموری» شرح احوال مختصری پیرامون تیمور گورکان است که ابوطالب تربتی حسینی مدعی است اصل آن را از زبان ترکی به فارسی ترجمه کرده است.^{۳۰}

«بابرنامه یا تزوک ببری» نوشته ظهیرالدین محمد بابر به زبان ترکی جغتایی پیرامون شرح حال، ویژگی‌های اخلاقی، سیاست علمی و فرهنگی وی و برخی رجال برجسته سیاسی و فرهنگی عصر او و نیز حوادث تاریخی و سیاسی، جغرافیایی، نباتات، حیوانات، عادات مردم و خاندان سلطنتی آسیای مرکزی و هندوستان است که تا حدی سلطان

حسین بایقرا رقیب سیاسی‌اش را به صورت یک دشمن وصف کرده است.^{۳۱}

«آثار الوزراء» نوشته سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی با عنایت به شخصیت خواجه قوام‌الدین نظامی خوافی (وزیر سلطان حسین بایقرا)^{۳۲} پیرامون شرح حال وزراء ایران در دوران پس از ورود اسلام است. همچنین کتاب «دستورالوزراء» نوشته خواندمیر^{۳۳} در ترجمه احوال وزرای اسلام و ایران تا انقراض تیموریان به زبان فارسی بنام سلطان حسین بایقرا و کمال‌الدین محمود از مشاهیر دربار او تألیف گردید.

۲-۲- تذکرها:

مهمترین تذکره ادبی دوره تیموریان "تذکره مجالس النفائس"^{۳۴} تألیف امیرعلیشیر نوائی به زبان ترکی جغتائی پیرامون شرح حال ۳۸۵ نفر از رجال سیاسی و فرهنگی، ادبا، شعرا و... می‌باشد.

دومین تذکره ادبی این دوران «تذکره الشعراء» نوشته امیر دولت‌شاه سمرقندی فرزند علاءالدوله بختی شاه قاضی است که در سال ۸۹۲ هـ ق پیرامون شرح احوال ۱۳۵ تن از شعرای متقدم و متوسط در هفت طبقه نوشته شده است.^{۳۵} هرچند این کتاب دارای اشتباهات تاریخی بسیار است،^{۳۶} اما پیرامون پاره‌ای از مسائل تاریخی و سیاسی آن دوران حائز اهمیت است.

مهمترین تذکره ادبی- تاریخی دوران تیموریان "بدایع الوقایع" نوشته زین‌الدین محمد واصفی هروی است که در معماگوئی در دستگاه جغتائیان بسیار مهارت داشت. او در دربار تیموریان و عبیداله خان و سلطان محمد ازبک قرار داشت. در این کتاب زندگی اجتماعی و عادات مردم و نیز حوادث تاریخی از سقوط تیموریان تا ظهور صفویان بخصوص وقایع دربار از بکان که خود شاهد آنها بوده است، بوضوح درج گردیده است.^{۳۷}

از مشهورترین زندگینامه‌های صوفیانه در عصر تیموریان «نفحات الانس من حضرات

القدس» اثر عبدالرحمن جامی است که به سبک فارسی ساده در شرح اعمال و احوال ۶۱۱ نفر از صوفیان به ترتیب تاریخی نوشته شده است.^{۳۸} «رشحات عین الحیات» نوشته «فخرالدین علی صفی کاشفی سبزواری» در شرح حال و کرامات ۹۵ نفر از صوفیان «نقشبندیه» بخصوص «خواجه عبیداله احرار» در سال ۹۰۹ هـ.ق نوشته شد. «انیس الطالبین و عده السالکین» نوشته «خواجه جلال الدین محمد پارسای بخاری» نیز در شرح حال و کرامات خواجه بهاءالدین نقشبند و «مجالس العشاق» نوشته کمال الدین حسین گازرگاهی در شرح حال عده‌ای از شعرا و مشایخ صوفیه از دیگر تذکره‌های دوران تیموریان می‌باشند.

ب) منشآت و مکاتیب:

منشآت و مکاتیب این دوران غالباً مربوط به دوران حکومت سلطان حسین بایقراست که «ارزش هر یک با توجه به عوامل مختلفی چون گرایشهای سیاسی نویسنده و محتوای نامه‌های موجود در مجموعه‌ها متفاوت است».^{۳۹}

مفصل‌ترین منشآت این عصر به زبان فارسی کتاب «فوائد غیائی» است که در سال ۸۳۱ هـ.ق توسط «جلال‌الدین یوسف شمس‌الدین بن شهاب‌الدین عبدالله جامی» مشهور به «یوسف اهل» بالغ بر ۶۵۰ نامه عارفانه، دوستانه و نامه‌های اداری از حکام، علماء، شعراء، وزراء، مشایخ، قضاة... در ده باب گردآوری شد.^{۴۰}

«منشآت و یا ترسل» تألیف «معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری» منشی دربار سلطان حسین بایقراست که به درخواست «خواجه مجدالدین محمد خوافی وزیر» در چهار منشأ و یک خاتمه تدوین گردید.

کتاب «منشأ الانشاء» اثر «عبدالواسع نظامی باخرزی» دبیر دربارهای ابوسعید، یادگار محمد میرزا و صاحب دیوان رسائل دوران سلطان حسین بایقرا، مجموعه‌ای است از نامه‌های سلاطین هند، عثمانی، ترکمان و برخی از چهره‌های فرهنگی مانند شعراء،

نویسندگان و... که توسط «ابوالقاسم احمد خوافی» شاگرد باخرزی بصورت یک کتاب درآمد که تنها جلد اول آن چاپ شده است، اما در خلال آن برخی حوادث تاریخی مانند اختلاف علیشیر نوائی با خواجه قوام‌الدین خوافی وزیر به تصویر کشیده شده است.^{۴۱}

«مخزن الانشاء» نوشته «کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی» مشتمل برنامه‌های مختلف دوران تیموریان است که در سال ۹۰۷ هـ ق جهت سلطان حسین بایقرا و علیشیر نوائی تدوین گردید. این کتاب را بیشتر می‌توان به عنوان الگو و سرمشقی برای نامه‌نگاری محسوب نمود.

«ریاض الانشاء» نوشته «خواجه عمادالدین محمود بن شیخ محمد گیلانی» مشهور به «محمود گاوآن» (وزیر گیلان) که به دربار علاء‌الدین احمدشاه از سلسله بهمنی دکن راه یافت شامل مجموعه نامه‌های او به سلاطین، دانشمندان و صوفیان عصر خود نظیر «خواجه احرار» و «عبدالرحمن جامی» است.

شرفنامه، انشای مروارید و یا «منشآت بیانی» (که برخی این دو عنوان را دو کتاب مستقل تلقی کرده‌اند)^{۴۲} تألیف شهاب‌الدین عبدالله کرمانی (مروارید) فرزند شمس‌الدین محمد وزیر است که در دوران «سلطان حسین بایقرا» به مقام صدر رسید. وی این کتاب را در یک مقدمه، چندین مقاله و یک خاتمه پیرامون نامه‌ها، فرامین و احکام سلطان حسین بایقرا تدوین نمود.

«نامه نامی» نوشته خواندمیر، «منشآت جامی» و منشآت (رقعات) امیر علیشیر نوائی از دیگر منشآت این دوران می‌باشند.^{۴۳}

ج) کتب ادبی- اخلاقی:

«انیس الناس» تألیف «شجاع» از نویسندگان عصر شاهرخ تیموری است که آن را در سال ۸۳۰ هـ ق بنام «ابراهیم سلطان» فرزند شاهرخ تقدیم کرده است. این کتاب شامل

فصولی در نصیحت به فرزندان، آداب دوست گزیدن، زیستن با دشمن، جمع اموال، خانه خریدن، تجارت، شراب نوشیدن و... است که شجاع با استفاده از منابعی چون قابوسنامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی، اشعار فردوسی، حافظ و درج نکات سودمند اخلاقی از «سید شریف جرجانی» و «محمد خجندی» آن را نگاشته است.^{۴۴}

«اخلاق جلالی یا لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق» نگارش جلال‌الدین محمد بن اسعد صدیقی (۹۰۸ هـ ق) و «اخلاق محسنی» نوشته کمال‌الدین حسین کاشفی سبزواری (۹۱۰ هـ ق) که جهت محسن فرزند سلطان حسین بایقرا نوشته شده است نیز از متون ادبی و اخلاقی دوران تیموریان می‌باشند.^{۴۵}

«مآثر الملوک» تألیف «خواندمیر» مشتمل بر نقل سخنان پادشاهان، حکما و پیشوایان دینی به ترتیب تاریخی بنام «امیر علیشیر نوائی» در سال ۹۰۶ هـ ق تألیف شده است.^{۴۶}

«فتوت نامه سلطانی» نوشته «مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی»^{۴۷} در طریق و آداب فتوت است که در واقع «قسمتی از تاریخ اجتماعی قرون وسطی ایران یعنی شکل جمعیت فتوت» یا «جوانمردان» یا عیاران را به نمایش گذارده است.

د) تاریخ نگاری منظوم:

این نوع تاریخ‌نگاری از دوران مغول در ایران رشد فزاینده‌ای یافت که نمونه آن «ظفرنامه» نوشته حمداله مستوفی است. پاره‌ای از مورخان دوران تیموری نیز حوادث تاریخی را به نظم درآوردند. از تواریخ منظوم دوران تیموری، «تمرنامه» اثر عبدالله هاتفی خرجردی^{۴۸} درباره تیمور است. و بیه تقلید از شاهنامه فردوسی و براساس کتاب «ظفرنامه یزدی» در این خصوص منظومه‌ای در ۴۸ بیت سرود.^{۴۹} منظومه «شاهرخ» سروده قاسمی گنابادی (۹۵۰ هـ ق) نیز از آثار عصر تیموریان است.

«تاریخ حسین بایقرا» که به مثنوی «حالات میرزا ابوالبقا» شهرت یافته است و شامل

۱۲۰۰۰ و یا ۱۰۰۰۰ بیت شعر است به درخواست بایقرا توسط «خواجه مسعود قمی» سراینده مثنوی‌های «شمس و قمر»، «یوسف و زلیخا»، «مناظره تیغ و قلم» تدوین شده است،^{۵۰} که امروزه اثری از آن در دست نمی‌باشد.

«منصورنامه» در حقیقت تاریخ منظوم سلطان حسین بایقراست که نویسنده آن مجهول است. «تاریخ منظوم ریاضی» سروده «قاضی زواره‌ای» که به دستور سلطان حسین بایقرا، در ۸۰۰۰ بیت پیرامون تاریخ حکومت او و قتل شیبک خان ازبک به نظم آورده شد از دیگر آثار منظوم این دوران می‌باشند.^{۵۱}

ه) کتب مزارات:

کتب مربوط به مزارات از جمله، «قندیه» راجع به مزارات و پاره‌ای از اوهام و عقاید عصر تیموری است و کتاب‌های «مرصد الاقبال» نوشته میر اصیل‌الدین عبدالله شیرازی در مزارات هرات (بنام ابوسعید گورکان)، «تاریخ ملازاده» نوشته معین الفقرا در ذکر مزارات بخارا^{۵۲}، «تذکره الاولیاء» اثر محرابی مشهور به «مزارات کرمان»^{۵۳} از مهمترین کتب این دسته‌اند که از خلال آنها پاره‌ای از مسائل اجتماعی و زندگی رجال نیز بدست می‌آید.

۳- کتب جغرافیائی:

مهمترین کتاب جغرافیای تاریخی در دوران تیموریان «جغرافیای حافظ ابرو» است که در خلال سالهای ۸۱۷-۸۲۳ هـ ق در دو جلد مشتمل بر نقشه جهان، مقدمه تاریخ و جغرافیا، توصیف کیهان، دریاها و سرزمینها عربستان از شرق به غرب جهان اسلام، با استفاده از کتاب «المسالک و ممالک» نوشته «ابن خردادبه» و کتاب «المسالک و ممالک» نوشته اصطخری، کتاب «جهان نامه» نوشته نجیب بکران، «صورالاقالیم» نوشته محمد بن یحیی و سفرنامه‌های ابن حوقل و ناصر خسرو به رشته تحریر درآمده است.^{۵۴}

۴- سفرنامه‌ها:

از دوران مغول و آغاز مناسبات ایران بعد از اسلام با دول اروپائی سفرنامه‌هایی از سوی جهانگردان اروپائی نوشته شد. سفرنامه «گزنالس کلاویخو» سفیر پادشاه کاستیل اسپانیا به دربار تیمور طی سالهای ۸۰۶-۸۰۸ هـ ق برای آگاهی از نحوه حکومت تیموریان در آغاز این حکومت، درک آداب و رسوم زمانها و لهجه‌های مختلف اقوام در ایران، اوضاع اقتصادی، مسائل نظامی، برخوردهای سیاسی- راههای کاروانی، احوال اجتماعی و... بسیار قابل توجه است.^{۵۵} «خاطرات سفر شیلت برگر اسیر آسیای غربی» و یا «سفر هانس شیلت برگر به سرزمین کافران» اثر هانس شیلت برگر از مهمترین سفرنامه‌های دوران تیموریان است. نویسنده در حقیقت یک سرباز آلمانی بود که ابتدا به اسارت سلطان بایزید عثمانی و بعدها به اسارت سپاه تیموردآمد و سپس در خدمت میرانشاه و شاهرخ تیموری قرار گرفت و سرانجام پس از سی و دو سال به کشور خود بازگشت. وی به علت حضور دربارهای سلاطین عثمانی و تیموریان، با دید بدبینانه و تا حدی بدور از تملق و چاپلوسی خاطرات خود را نوشت که به زبانهای انگلیسی و روسی چاپ شده است.^{۵۶} این کتاب تاکنون به فارسی ترجمه نشده و مسلماً ترجمه آن گام مهمی در شناخت وقایع تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوران تیموریان محسوب می‌گردد.

در دوران تیموریان علاوه بر اروپائیان، ایرانیان به نوشتن سفرنامه و درج اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و مذهبی ایران و نواحی دیگر پرداختند. خواجه غیاث‌الدین نقاش از ملازمان دربار شاهرخ در سال ۸۲۴ هـ ق مأمور سفارت هرات به چین جهت برقراری روابط بازرگانی با «تای مینگ خان امپراطور چین» شد، که پس از بازگشت با سبکی ساده و بدون پیشداوری با نگارش سفرنامه‌ای به درج اطلاعاتی از مسیر جاده ابریشم از هرات تا چین و وصف اوضاع اقتصادی آن و برملا کردن موقعیت اجتماعی و

سیاسی مردم و شاهان چین، معماری شهرها، بتخانه‌ها، چاپارخانه‌ها، کارگاه‌های صنعتی و... پرداخت. سفر و سفرنامه او مقدمه سفرهای بعدی در این عصر شد.^{۵۷}

سید علی‌اکبر ختائی نویسنده «ختایی نامه» در اواخر حکومت سلطان حسین بایقرا، سفر خود را از سمرقند به چین آغاز نمود. کتاب وی از مهمترین منابع پیرامون روابط دوستانه چین و ایران در عهد تیموریان است که بطور دقیق به شرح اوضاع جغرافیائی، اجتماعی، فرهنگی، تعلیم و تربیت، نظم و قانون و پیشرفت اسلام در چین و اوضاع صنعتی و... سخن گفته است.^{۵۸}

عبدالرزاق سمرقندی نیز سفیر ایران به ایالت بیجانگر هند بود که شرح مأموریت و مسافرت خود را در جلد دوم کتاب مطلع السعدین و مجمع البحرین درج نموده است.

نتیجه گیری

همان گونه که در ابتدای مقاله ذکر شد، هدف از انجام پژوهش حاضر پاسخگویی به سوالات مطرح شده در مقدمه می باشد. در پاسخ به سوال اول با توجه به مطالب ارائه شده به نظر می رسد علاوه بر منابع تاریخی (از جمله تواریخ عمومی، دودمانی، تک نگاری ها)، منابع ادبی، منابع جغرافیایی و سفرنامه ها از منابع بسیار مهم جهت بررسی تاریخ نگاری در دوران مورد نظر محسوب می شوند، که این موضوع برای بسیاری از دوره های تاریخی ایران قابل تعمیم است.

در پاسخ به سوال دوم که آیا مورخان دوران تیموریان در نگارش کتب خود نوآوری داشته و یا اینکه صرفاً به تقلید از مورخان پیشین بسنده کرده اند؟ بایستی چنین مطرح نمود که در این دوران اغلب نویسندگان در نگارش مطالب خود هیچ گونه نوآوری نداشته اند، اما به صورت استثناء «میرخواند» نویسنده تاریخ عمومی «روضه الصفاء» در جلد اول کتاب خود به سودمندی تاریخ و علل نیاز پادشاهان به این علم، شرایط مورخ و مورخان برجسته عرب و عجم توجه کرده است.

در پاسخ به سوال سوم مقاله بایستی اذعان نمود که مورخین آغاز دوره تیموری تحت تأثیر سنت تاریخ نگاری غرب و مرکز ایران قرار گرفتند و از این جهت بیشتر به عرصه های سیاسی و نظامی در تاریخ نگاری توجه داشتند، از سوی دیگر توجه تیمور گورکانی به ثبت حوادث دوران حکومت و فتوحاتش موجب تقویت هرچه بیشتر این رویکرد نزد نویسندگان و مورخان گردید. با انتقال کانون قدرت سیاسی و فرهنگی از سمرقند به هرات و شکوفائی این شهر به عنوان کانون شرقی ایران در دوران جانشینان تیمور به خصوص از دوران حکومت شاهرخ در کنار رشد فرهنگی - هنری در مکتب هرات، موج دوم تاریخ نگاری تیموریان با توجه به حفظ سنن اسلامی آغاز شد. در این دوران مورخان و

نویسندگان نه تنها در دربار شاهرخ بلکه در دربار امیرزادگان حضور داشتند. برای مثال تاج سلمانی در دربار شاهرخ، شرف‌الدین علی یزدی در دربار ابراهیم سلطان، معین‌الدین نطنزی در دربار عمرشایخ و سپس شاهرخ، و حافظ ابرو در دربار بایسنغر میرزا به نگارش تواریخ پرداختند که در کنار مسائل سیاسی و نظامی با رویکرد فرهنگی به نگارش تاریخ پرداختند. این گرایش به عرصه‌های فرهنگی با آغاز موج سوم تاریخ‌نگاری تیموری اندر دوران حکومت سلطان حسین بایقرا افزایش یافت. مورخانی همانند میرخواند، خواندمیر، عبدالرزاق سمرقندی، زمچیاسفزاری و... در این موج قرار داشتند. گرایش به عرصه‌های فرهنگی نه تنها در منابع تاریخی بلکه در منابع ادبی و ادبی- تاریخی به وضوح نمایان است.

خواندمیر در کتاب «حبيب السیر» هر چند به رقابتهای حکام و امیرزادگان توجه کرده است، اما بخشی از کتاب خود را به شرح حال رجال فرهنگی، دیوانی، مذهبی از جمله صدور، وزراء، نقباء، مشایخ و... اختصاص داده است. در زمینه تواریخ دودمانی و تک‌نگاری‌ها، نظام‌الدین شامی علاوه بر درج مسائل سیاسی و نظامی تا حدودی به مسائل اقتصادی، مالیاتها، عقاید مردم (به خصوص کفار هند و روم و...) توجه کرده است. شرف-الدین علی یزدی در کتاب «ظفرنامه» نه تنها به شرح اوضاع سیاسی، نظامی، اجتماعی ایران و ماوراءالنهر پرداخته است، بلکه به اوضاع کشورهای روسیه، روم، ترکستان، افغانستان، ارمنستان، قفقاز، آسیای صغیر و... نیز توجه نموده است. همچنین او در سطح نسبتاً وسیعی از اشعار شاهنامه فردوسی استفاده کرده است که این خود رویکرد او را به عرصه‌های فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد. میرزا حیدر دوغلات نیز در کتاب «تاریخ رشیدی» در بخشهای جداگانه علاوه بر توجه به اوضاع جغرافیائی، تاریخی، سیاسی، نظامی و اجتماعی ماوراءالنهر، مغولستان، خوارزم، تبت، دشتقچاق، ختن، کشمیر و... به چهره‌های فرهنگی، دیوانی و مذهبی از جمله شیخ الاسلام‌ها، عرفا، صوفیان، نقاشان، خطاطان، خوانندگان،

نوازندگان، خوشنویسان، تعلیم یافتگان مکتب هرات و... پرداخته است.

در برخی از تواریخ محلی به خصوص در پایان دوره تیموریان مانند کتاب «روضات الجنات» نوشته اسفزاری، «شیراز نامه» نوشته ابن زرکوب، «تاریخ یزد» نوشته حسن جعفری و... علاوه بر درج مسائل سیاسی، نظامی و جغرافیائی در راستای تفاخر ملی و محلی مسائل اجتماعی، فرهنگی، آثار باستانی، مدارس، خانقاه‌ها، کتابخانه‌ها، هنرمندان، شرح حال رجال و حتی منشآت و نسب‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. از میان تواریخ محلی این دوران در «روضات الجنات» و سپس «تاریخ یزد» رویکرد فرهنگی مورخان بیشتر نمایان است.

همچنین در بسیاری از منابع ادبی و تاریخی- ادبی به خصوص شرح حال‌ها، زندگی‌نامه‌های عمومی، تذکره‌های ادبی- تاریخی مانند «بدایع الوقایع» نوشته واصفی هروی، زندگی‌نامه‌های صوفیان و عرفا، منشآت و مکاتیب مانند کتاب‌های «فواید غیائی»، «منشأالانشاء» باخرزی و... شرح مسافرت‌های سید علی اکبر ختائی و خواجه غیاث‌الدین نقاش به چین و عبدالرزاق سمرقندی به ایالت بیجانگر هند و ره آورده‌ای سفر آنان به چین و هند و... گرایش به عرصه‌های فرهنگی مورخان و نویسندگان به وضوح نمایان است.

از مقایسه منابع تاریخی دوره تیموری با توجه به سهم تاریخ‌نگاری این دوران (تیمور، شاهرخ، سلطان حسین بایقرا) برملا می‌شود که از دوران شاهرخ به تدریج مورخان به عرصه‌های فرهنگی توجه کرده‌اند که این گرایش در دوران سلطان حسین بایقرا به اوج خود رسیده است. از اینرو می‌توان اظهارکرد که بزرگترین شاخصه تاریخ‌نگاری دوران تیموریان (نسبت به دوران مغول و دوران صفویه)، توجه مورخان از عرصه‌های سیاسی و نظامی به عرصه‌های فرهنگی است که فضای حاکم بر دولت و دربار تیموری زمینه‌ساز آن بود.

یادداشت‌ها:

- ۱- حافظ ابرو، زبده التواریخ، به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: نشر نی، ج ۲، ۱۳۷۲؛ حافظ ابرو، مجمع التواریخ سلطانیه. (حافظ ابرو، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ابوالقاسم کاشانی) به اهتمام محمد مدرس زنجانی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- ۲- نطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح ژان اوبن، به اهتمام عباس پرویز، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۳۶.
- ۳- وودز، جان، «تاریخنگاری دوره تیموری»، تاریخنگاری در ایران، اشپولر و دیگران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۷-۱۳۴.
- ۴- خوافی، فصیح بن جلال الدین محمد، مجمل التواریخ، به تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتاب فروشی باستان، ۱۳۳۹؛ ر.ک: فراهانی منفرد، مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱ به نقل از Eliot the History of India, Vol 4 , P 141, Beveridge "Khand amir" P.1021
- ۵- یوبرگل، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه سیروس ایزدی و آرین پور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲، جلد دوم، ص ۵۱۸.
- ۶- یزدی، حسن بن شهاب، جامع التواریخ حسنی، بخش تیموریان پس از تیمور، به کوشش حسین مدرس طباطبائی و ایرج افشار، کراچی: بی‌نا، ۱۹۸۷/م؛ ر.ک: یوبرگل، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، جلد دوم، ص ۵۱۲.
- ۷- یوبرگل، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، جلد دوم، ص ۵۱۴.
- ۸- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳، صص ۱۹۸-۲۰۰.
- ۹- براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، از سعدی تا جامی، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۳، صص ۶۲۲-۶۲۳.
- ۱۰- میرخواند، محمد بن خاوندشاه محمود بلخی، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۳۹، ج ۱، صص ۱۱-۱۸.
- ۱۱- همان، مقدمه، ص ۱۰.

- ۱۲- واصفی هروی، زین‌الدین محمود، بدایع الوقایع، به کوشش الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۴.
- ۱۳- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هم‌امالدین حسینی، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر، به اهتمام همائی و دبیر سیاقی، تهران: خیام، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰.
- ۱۴- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ رشیدی، تهران: چاپ خان بابا بیانی، ۱۳۱۷، صص ۱۳-۲۴.
- ۱۵- شامی، نظام‌الدین، ظفرنامه، ویراسته پناهی سمنانی، تهران: بامداد، ۱۳۶۳؛ یزدی، مولانا شرف‌الدین علی، ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶، ۲ جلد؛ رک: وودز، جان، «تاریخنگاری دوره تیموری»، صص ۱۳۴-۱۳۷.
- ۱۶- ابن عربشاه، عجائب المقدور یا زندگی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۵.
- ۱۷- وودز، جان، «تاریخنگاری دوره تیموری»، صص ۱۵۶-۱۵۷.
- ۱۸- سمرقندی عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، به کوشش محمد شفیع لاهوری، چاپخانه گیلانی، ۱۳۶۵هـ/ق/۱۹۴۶، ۲ جلد.
- ۱۹- بهار، محمدتقی، سبکشناسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹، چاپ سوم، جلد سوم، صص ۲۰۶-۲۰۷.
- ۲۰- - فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، ص ۳۱؛ به نقل از: سید عبدالله انوار، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، تهران: ۱۳۵۴، ج ۶، ص ۵۲۰.
- ۲۱- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۷۵-۷۶ و ۸۴-۸۵.
- ۲۲- دوغلات، میرزا حیدر، تاریخ رشیدی، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۲۱۸؛ دوغلات، میرزا حیدر، تاریخ رشیدی، نسخه خطی انستیتوی ابوریحان بیرونی تاشکند، به شماره (۱۴۳۰) در مجموعه سرود اهل بخارا، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- ۲۳- مرعشی، ظهراالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهارد دارن، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳.
- ۲۴- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۶۱.
- ۲۵- کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۵.

- ۲۶- سیفی هروی، تاریخنامه هرات، به کوشش محمد زبیر صدیقی، کلکته، تهران: چاپ افست، ۱۳۰۲/۱۳۰۳م، ۱۳۵۲، صص ۶-۲۳ و ۴۴۳ و ۴۶۱.
- ۲۷- زمیچی اسفزاری، معین‌الدین محمد، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، به کوشش سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۳۸.
- ۲۸- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر، شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جواد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- ۲۹- فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، ص ۳۳.
- ۳۰- تربتی حسینی، ابوطالب، تزوئات تیموری، از روی چاپ ۱۷۷۳ اکسفورد تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۲.
- ۳۱- آفتاب، اصغر، «واقعات بابری و تراجم فارس» آن، اورینتال کالج مگزین، جلد ۸، سال ۱۹۷۲م، صص ۱۰۴-۱۱۸؛ براوان، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، صص ۶۶۴-۶۶۵.
- ۳۲- محبوب، محمد جعفر «آثار الوزراء»، مجله سخن، سال ۱۰، ۱۳۳۸، صص ۸۹۵-۹۰۳؛ رک: سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی، آثار الوزراء، به کوشش میرجلال حسینی ارموی (محدث)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- ۳۳- خواندمیر، دستور الوزراء، شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان، به کوشش سعید نفیسی، تهران: اقبال، ۱۳۱۷.
- ۳۴- نوائی، امیرنظام‌الدین علیشیر، تذکره مجالس النفاوس، به کوشش علی‌اصغر حکمت، تهران: منوچهری، ۱۳۲۳.
- ۳۵- سمرقندی، دولت‌شاه بن بختی‌شاه، تذکره الشعراء، به تصحیح محمدعباسی، تهران: بارانی، ۱۳۳۷.
- ۳۶- براوان، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، ص ۶۳۲؛ بهار، سبک‌شناسی، جلد سوم، صص ۱۸۵-۱۸۸.
- ۳۷- زین‌الدین محمود واصفی هروی، «بدايع الوقایع»، جلد اول، صص هیجده - بیست.
- ۳۸- براوان، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، ص ۶۲۹.
- ۳۹- فراهانی منفرد، پیوست سیاست و فرهنگ، صص ۴۳-۴۴.
- ۴۰- جامی، جلال‌الدین یوسف بن شمس‌الدین بن شهاب‌الدین بن عبدالله (یوسف اهل)، فوائد غیائی، به کوشش دکتر حشمت مؤید، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶، جلد اول، مقدمه.

- ۴۱- باخرزی، عبدالواسع نظامی، منشأ الانشاء، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۷، مقدمه مصحح.
- ۴۲- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی، پاکستان، لاهور: مرکز تحقیقات، فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۷.
- ۴۳- فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، صص ۴۷-۴۸.
- ۴۴- شجاع، انیس الناس، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶.
- ۴۵- کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین، اخلاق محسنی، به کوشش مدرس چهاردهی، تهران: کتابخانه علمیه حامدی، ۱۳۵۸.
- ۴۶- خواندمیر، مآثرالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، صص ۱۸-۱۹.
- ۴۷- کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ، فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۰.
- ۴۸- صفا، ذبیح‌اله، تاریخ ادبیات ایران، چاپ چهارم، تهران: فردوس، ۱۳۶۶، جلد چهارم، ص ۴۴۲.
- ۴۹- وودز، جان، «تکلمه تاریخ‌نگاری دوره تیموری»، ص ۱۵۷.
- ۵۰- قمی، خواجه مسعود، مثنوی یوسف و زلیخا و شمس و قمر، به کوشش سیدعلی آل داود، تهران: آفرینش، ۱۳۶۷، ص ۲۵.
- ۵۱- فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ، صص ۴۲-۴۳.
- ۵۲- معین الفقراء، احمد بن محمود، تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا. به اهتمام احمد گلچینی معانی، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۹.
- ۵۳- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۹۳.
- ۵۴- حافظ ابرو، جغرافیای تاریخی، کوشش صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب، جلد اول، ۱۳۷۵، جلد دوم و سوم ۱۳۷۸.
- ۵۵- کلاویخو، گنزالس، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- ۵۶- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۰۲.
- ۵۷- سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۲، جزء ۱، ص ۲۳۵.
- ۵۸- ختایی، سید علی اکبر، ختایی نامه، گردآورنده ایرج افشار، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷.

